



محجوبه هروی

شاعر دری زبان



محبوبه هروی (نام اصلی صفورا (۱۲۸۵-۱۳۴۵ خورشیدی) شاعر پارسی‌گوی اهل بادغیس بود. محبوبه پنج‌هزار بیت شعر دارد که از محتوای آزادی‌خواهی نیز برخوردارند. بلبل نه هرزه این همه فریاد می‌کند بیچاره آشیانه خود یاد می‌کند «محبوبه» در ترانه آزادی بشرنفرین به ظلم و وحشت صیاد می‌کند او همچنین به مشاعره با شاعران دیگر نیز می‌پرداخت.

محبوبه هروی در سال ۱۳۲۴ قمری در بادغیس (از توابع سابق هرات) زاده شد و از پدرش فقه و صرف و نحو و ادبیات و علوم دینی و خوشنویسی آموخت. پدر وی ابوالقاسم‌خان، منشی سردار غوث‌الدین خان غوری، در زمان امیر عبدالرحمن خان بود. بنا به شرح حالی که خود نوشته است. محبوبه از سن چهارده سالگی شعر می‌سرود. نخست عضو انجمن ادبی هرات شد و سپس به آموزگاری در مدارس دخترانه هرات پرداخت.

گرایشش به شعر گفتن با شنیدن اشعار مستوره غوری شکل گرفت و مدتی به طور مخفیانه سخن‌سرایی کرد. هنگامی که مستوره از وضعیت او باخبر شد یکی از غزل‌های خود را برای محبوبه هروی فرستاد تا آن را مخمس کند و صفورا موفق شد این کار را به خوبی انجام دهد و مورد تشویق مستوره و اطرافیان خویش واقع شود.

محبوبه هروی زندگی زناشویی خوبی با همسرش میرزا غلام نداشته و تا زمانی که شوهرش در قید حیات بوده او امکان شرکت در محافل ادبی را نداشته است. محبوبه هروی دیوانی با سه هزار بیت دارد. دیوان محبوبه هروی، در سال ۱۳۴۷ خورشیدی، توسط محمد علم غواص در هرات به چاپ رسید. محبوبه در سال ۱۳۴۵ در شهر هرات درگذشت.

شهر بر من تنگ شد آهنگ صحرا می‌کنم	روی صحرا را ز اشک خویش دریا می‌کنم
در گلستان‌تانی که بریاد رخت خوانم	غزل بلبلان را بر نوای خویش شنیدم می‌کنم
نیستم زاغ و زغن تا مایل سفلی شوم	من همای اوج قدسم میل بالا می‌کنم
سرو چون قدمی فرزند در میان بوستان	من خیال قامت آن سرو بالا می‌کنم
من که مخمور نگاه نگرگس مست توام	کافرم گر التفات جام و صهبا می‌کنم
قامتت سرو و رخت گل، زلف سنبل، غنچه لب	من تماشای گل و گلشن در اینجا می‌کنم
ماه، یک غم نامه ما را نخواندی از غرور	گرمن از بهر تو صد مکتوب انشا می‌کنم

"محبوبه" هروی